



**توسعه فرهنگی راهکار علمی حفظ هویت ایرانی - اسلامی  
در افق توسعه با توجه به محورهای پیش‌بینی شده در برنامه چهارم  
توسعه کشور  
خانم بتول امین جعفری  
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر**

**چکیده:**

جهان در قرن بیست و یکم، دنیایی آکنده از رقابت، توسعه بازارها، ظهور و رواج فناوریهای برتر و گسترش تجارت است. شرط توفیق در این عرصه، بهره‌گیری از فرصت‌ها و رویارویی با چالشهای پیش رو جهت رسیدن به توسعه همه‌جانبه پایدار و برگرفته از هویت ملی کشورها است، به نوعی که بتواند در افق توسعه بین‌المللی نیز جایگاه ویژه خویش را حفظ نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و جهت رسیدن به توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی، چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله را تدوین نموده است. برنامه چهارم توسعه کشور به ارائه جامعه آرمانی اسلامی با ویژگی حفظ و کرامت انسان و آزادگی او جهت رسیدن به کمال واقعی پرداخته و حفظ هویت اسلامی - ایرانی بعنوان یکی از محورهای اساسی برنامه چهارم طراحی شده است. جهت رسیدن به این هدف توسعه فرهنگی و تقویت باورها و نگرشهای برخاسته از هویت ایرانی - اسلامی مهمترین راهکار علمی مؤثر پیشنهاد می‌گردد.



مقاله حاضر با تأکید بر برنامه چهارم توسعه با استفاده روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در راستای موضوع تحقیق پرداخته و مطالب در سه بخش عمده تدوین گردیده است. در بخش اول به مبانی تئوریک و نظری برنامه چهارم توسعه - چشم‌اندازها - محورهای اساسی پرداخته، بخش دوم به مبانی تئوریک در خصوص فرهنگ - توسعه فرهنگی و جایگاه آن در حفظ هویت ایرانی - اسلامی اختصاص یافته و در بخش سوم بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.



## مقدمه :

تهیه و تدوین برنامه چهارم با توجه به ضرورتها و الزامات ناشی از آرمانهای قانونی اساسی، تحولات بین‌المللی، فضای نوین اقتصاد جهانی، تحولات علمی و فناوریهای نو، بخصوص فناوری اطلاعات و نیازهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور در مرحله کنونی از جمله رشد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال و در بلندمدت برپایی اقتصادی توانمند، پویا و بالنده و متکی بر مؤلفه‌های دانایی با هدف تحقق صادرات انبوه به‌جای صدور مواد و کالاهای نخستین بویژه نفت خام - مستلزم داشتن رویکردی منطقی نسبت به تحولات پیش‌رو و ترسیم چشم‌انداز در افق بلندمدت (vision) است. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲ : ۱)

بدیهی است اتخاذ رهیافتی استراتژیک نسبت به تعیین اولویتها و جهت‌گیریهای اساسی آینده کشور در متن تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای تنها نمی‌تواند به برنامه‌ها و سیاست‌گذاریهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت بسنده کند و ناگزیر باید بر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، ارائه دورنماها و تحلیل چشم‌اندازهایی با افق دوردست با هدف‌گذاری و سمت‌گیریهای روشن و مشخص متکی باشد. برنامه‌ریزیهای بلندمدت با تجسم بخشیدن به مبانی اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - زیست‌محیطی جامعه آرمانی آینده، زمینه شکل‌گیری تحولات و اصلاحات و بازآرایی اقتصاد ملی و چارچوب‌های طراحی و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت را فراهم می‌آورد.

مدیریت اقتصادی در قالب‌های غیرمبتنی بر نگرشهای راهبردی و بدون تعهد به آرمانها و آماج‌های بلندمدت نیز در نهایت کشور را به مسیر نوعی روزمرگی و تسلسل و تراکم دشواریها و



تنگناها سوق خواهد داد، که این امر اجرای توسعه مدیریتها را جهات پیشرفت کشور و مدیریت توسعه بیش از پیش اجتنابناپذیر می‌سازد.

شایان توجه است که برنامه بلندمدت راهبردی در مجموع اقتصاد ملی و در بخش‌های مختلف آن به هیچ روی به معنای جمع چند برنامه میان‌مدت نیست و در واقع هدف نهایی آن معطوف به تبیین گزینش‌های استراتژیک و جهات اصلی تحولات ساختاری- نهادی و ارائه عرصه‌های انتخاب برای تدوین برنامه‌های میان‌مدت در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی است. از همین رو برنامه‌های بلندمدت را می‌توان با مثالی ساده به فروختن نوری در تاریکی آینده تشبیه کرد که حرکتها و سازماندهی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت را با کمترین انحراف و اتلاف در تخصیص منابع به سوی نقطه راهنما هدایت می‌کند.

در همین حال برنامه استراتژیک بلندمدت چشم اندازهای آینده کشور را با ملاحظه روندها و گرایش‌های راهبردی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی در سطوح بین‌المللی و ملی مطرح می‌کند و به این اعتبار این برنامه یا چشم‌انداز، تفاوت‌های اساسی با شکل مرسوم برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت اجرایی دارد.

هدف از تهیه چنین برنامه‌ای از یک سو آگاهی از گرایش‌های مسلط و تعیین‌کننده در حوزه مسائل مربوط به امنیت و بقای ملی در آینده است و از سوی دیگر شناخت عوامل بحران‌زا و و ارائه راهکارهای مناسب برای غلبه بر بحران‌ها است که ناگزیر باید با ارائه چارچوبی برای مدیریت استراتژیک و طرح راهبردهای بلندمدت توسعه همه‌جانبه کشور با نگرش به فرصتها و چالشهای پیش‌رو توأم باشد. طبعاً طی کردن مرحله گذار از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب



در افق بلندمدت مستلزم «دگرگونی در ساختارها و نهادها و همچنین تنظیم حرکت ها به گونه‌ای بهینه و به نحوی است که بتواند زمینه‌های رشدی پیوسته و پایدار مبتنی بر تحولات عمیق تکنولوژیک و مؤلفه‌های اقتصاد مبتنی بر دانایی را فراهم نماید.»

دگرگونی در ساختارها و نهادها به گونه‌ای که منجر به توسعه همه‌جانبه و پایدار کشور گردد در درجه اول یک فعالیت عظیم فرهنگی و ارزشی است چرا که ساختارها و نهادهای موجود در جامعه که وظیفه اساسی ارضاء نیازهای اساسی انسان را بعهده دارند متشکل از اجزاء و عناصر (مانند بخشنامه، دستورالعمل، افراد انسانی) و ارتباط این اجزاء و عناصر با یکدیگر می‌باشند. مهمترین رکن در سازمانها و نهادها «انسانها» و «نگرشهای فرهنگی، ارزشی» آنان می‌باشد که موجبات پویایی، حرکت، رشد و بقای سازمان و جامعه را فراهم می‌کنند.

بنابراین تغییر و تحول اساسی در نگرشها و باورهای مردم جامعه نسبت به آینده و چشم‌اندازهای مربوط به آن یکی از اساسی‌ترین راهکارهای علمی جهت رسیدن به توسعه پایدار در راستای حفظ ارزشهای دینی - اسلامی به‌شمار می‌رود.



## بخش اول :

### برنامه چهارم توسعه کشور

مطالعات مربوط به تهیه چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران برای دوره ۲۰ ساله

(۱۳۸۴-۱۴۰۴) با در نظر گرفتن سه عامل :

۱- آرمانها و ویژگیهای جامعه ایده‌آل.

۲- شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور و

۳- تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای هر ویژگیهای اقتصادی و فنآوری جهانی انجام گرفته

است. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲ : ۳).

تهیه و تنظیم چشم‌انداز آینده، از آنرو که روندهای ممکن و مطلوب آینده را پیش‌بینی و

ترسیم می‌نماید، به اتخاذ موضوع و تعیین شیوه‌های برخورد با حوادث و اتفاقات کمک می‌کند و

بهره‌برداری درست و بهینه از منابع و فرصت‌ها را امکان‌پذیر می‌کند.

همچنین بدلیل آنکه برخی از رویدادها و تحولات آینده خارج از کنترل می‌باشد، تهیه چشم‌انداز

به جهت پیش‌بینی این تحولات و مقابله با چالشهای آینده پیش روی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزشهای مبتنی بر ایدئولوژی نظام و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی

اقتصادی و زیست محیطی جامعه است. و اگر بطور صریح تنظیم و ارائه شده باشد می‌تواند

برنامه‌ها را در مسیری هدایت نماید که مطلوب و مورد تأیید اکثریت جامعه باشد. از اینرو تهیه و

تنظیم چشم‌انداز آینده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی کشور بستر مناسبی برای



تهیه و تنظیم برنامه پنج ساله چهارم توسعه فراهم می‌سازد که هم فرآیند برنامه‌ریزی پنجساله را تسهیل و تسریع می‌نماید و هم در مرحله اجرای برنامه، تحقق هدفهای آن را آسانتر و کم‌هزینه‌تر می‌سازد.

چشم اندازها مستقل از دامنه گسترده‌ایکه در همه ابعاد زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ملت‌ها دارا می‌باشند نه تنها برنامه‌های کوتاه مدت، بلندمدت و میان مدت را طراحی خواهند نمود بلکه افق‌هایی را حتی فراتر از یک نسل جهت رسیدن به توسعه و اقتدار یک ملت می‌گشایند. اگرچه شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوتی برچشم انداز توسعه یک کشور حاکم است می‌توان به عواملی نظیر: الف) آرمانها و ویژگیهای جامعه ایده‌آل، ب) شرایط اقتصادی- اجتماعی موجود کشورها و ج) تحولات بین‌المللی - منطقه‌ای و ویژگیهای اقتصادی و فناوریهای جهانی بعنوان عوامل مؤثر بر ترسیم چشم‌انداز توسعه یک کشور اشاره کرد.

جامعه آرمانی ایران براساس قانون اساسی، جامعه‌ایست که در آن برپایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادی انسان، حفظ و شرایط رشد او در حرکت بسوی نظام الهی پیش‌بینی شده است. در چنین جامعه‌ای، اقتصاد، وسیله‌ایست در رفع جهت‌نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او، (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسخه الکترونیکی: ۱۳۸۳).

**محورهای اساسی، هدفها و سیاست‌های کلی، الزامات و راهبردهای برنامه چهارم توسعه کشور**

در دیدگاه الگوی توسعه پایدار، پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی، سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در حال گسترش است. با چنین واقعیت‌هایی، جهت‌گیریهای توسعه‌ای ملی می‌بایست کل‌نگر، هم‌سونگر، برون‌نگر (منطقه‌ای و جهانی) و آینده‌نگر باشد.



ایران با قرارگرفتن در منطقه‌ای حساس و استراتژیک در جهان و برخورداری از منابع طبیعی و انسانی سرشار، در چشم‌انداز آینده خود در معرض انتخاب‌ها و گزینه‌های مختلفی قرار دارد که هر یک از آنها طبعاً با چالش‌های متفاوتی روبروست. رویارویی با این چالش‌ها متضمن الزامات و اتخاذ راهبردهایی است که بتواند اقتصاد و جامعه ایران را در مسیری هموار و در راستای تحقق اهداف آرمانی کشور در افق چشم‌انداز با تکیه بر محورهای اساسی زیر به پیش راند. این محورها در واقع چالش‌های پیش روی کشور هستند که اگر به نحو مطلوب به آنها پرداخته نشود در آینده به تهدیدهای اساسی در تمامی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مبدل خواهند شد. (همان : ۱۹)

#### محورهای اساسی برنامه چهارم توسعه :

- ۱- بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی.
- ۲- تعامل فعال با اقتصاد جهانی.
- ۳- رقابت‌پذیری اقتصاد.
- ۴- توسعه مبتنی بر دانایی.
- ۵- حفظ محیط‌زیست.
- ۶- آمایش سرزمین و توازن منطقه ای.
- ۷- ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی.
- ۸- ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی.
- ۹- صیاق از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی (توسعه فرهنگی).





۱۰- تأمین مطمئن امنیت ملی.

۱۱- توسعه امور قضایی.

۱۲- نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳).

### راهبردها و الزامات توسعه فرهنگی :

از آنجا که موضوع اصلی مقاله توسعه فرهنگی است لذا الزامات و راهبردهای توسعه فرهنگی بصورت خلاصه بیان می‌گردد.

#### ۱) بسط و ارتقای ارزشها، باورها، سنتها و هنجارها از طریق :

- ترویج و تعمیق فرهنگ معنویت، ایمان، قانون‌پذیری، وجدان اجتماعی و نظم‌گرایی.
- تقویت و تحکیم فرهنگ و هویت دینی، ملی، انسجام اجتماعی، زبان فارسی و سنت‌های مشترک فرهنگی، اجتماعی ضمن احترام به ویژگیهای فرهنگ قومی و منطقه‌ای.
- تقویت بنیاد خانواده با توجه به تعالیم میراث معنوی جامعه ایرانی.
- ترویج و تعمیق فرهنگ کار، کارآفرینی و بهره‌وری.
- گسترش و ترویج روحیه نشاط، شادابی و امیدواری اجتماعی.
- تقویت و تعمیق حس همبستگی، همدلی، مفاهیم و تعلق اجتماعی.
- ایجاد زمینه‌های پذیرش تحول و نوسازی در عرصه فکر و عمل، گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و صیانت از حقوق شهروندان.

#### ۲) ایجاد شرایط و فضای مناسب برای اعتلا و گسترش فرهنگ و هنر از طریق :

- ایجاد زمینه‌های تنوع و تکثر در آفرینش‌های فرهنگی، هنری، به عنوان سرمایه‌های اصلی تولید و باز تولید آثار و محصولات فرهنگی و هنری در سطح ملی و جهانی.



- گسترش استفاده از ابزارها و فن‌آوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی در عرصه فعالیتهای فرهنگی، هنری و اطلاع‌رسانی.
- جبران عقب‌ماندگیهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بخش فرهنگی، به‌منظور متوازن‌شدن آن با سایر بخشها.
- به‌کارگیری راهکارهای مناسب و قانون برای بالا بردن جذابیت فرهنگی و هنرهای داخلی بعنوان مهمترین عامل در مضمون‌سازی جامعه، نسبت به جریان جهانی‌سازی فرهنگی.
- تقویت حضور جلوه‌های بیان فرهنگ و هنر قومی در عرصه‌های ملی.
- ارتقاء سطح همکاریهای فرهنگی و هنری بین‌المللی.
- بسط زمینه‌های مشارکت مردم، نهادهای غیردولتی، صنعتی و حرفه‌ای در امور فرهنگی هنری، گردشگری، اطلاع‌رسانی، میراث فرهنگی، وقف و امور خیریه. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نسخه الکترونیکی؛ ۱۳۸۳)



## بخش دوم :

پس از بیان مقدمات تئوریک و نظری در خصوص برنامه چهارم توسعه، چشم انداز آن و محورهای پیش‌بینی شده به همراه الزامات و راهبردهای توسعه فرهنگی در این بخش به فرهنگ نهادهای موجود در جامعه و کارکرد آنها - توسعه فرهنگی و جایگاه آن در جهت رسیدن به توسعه همه جانبه در راستای حفظ ارزشهای اصیل ایرانی - اسلامی خواهیم.

فرهنگ (Culture) کلیه روشهای زندگی است که بوسیله انسان‌ها در جامعه بوجود آمده‌اند. یک فرهنگ خاص نیز مجموع روشهای مشترک زندگی مردمی خاصی است که چگونگی اندیشیدن، عمل کردن و احساس کردن آنها را در مورد اموری مانند مذهب، قانون، زبان، هنر و آداب و رسوم و چیزهای مادی مانند خانه، لباس، وسایل و را شامل می‌شود. از منظر دیگر ممکن است فرهنگ را به منزله رفتار (تفکر، اعمال و احساسات) مشترک و آموخته شده برخی مردم با یکدیگر و با مصنوعاتشان در نظر بگیریم بدین معنی که این رفتار به صورت اجتماعی انتقال یافته است و موروثی نیست و مشترک بدین معنی که جمعیت یا بخش‌هایی از آن، آن را ایجاد کرده است. (نلر، ترجمه آهنچیان و قانلی، ۱۳۷۹ : ص ۴).

محتوای فرهنگ شامل فعالیتهای آموخته‌شده، افکار و اندیشه آموخته‌شده محصولات مشترک، فن‌آوری، سازمانهای اجتماعی و ایدئولوژی و ارزشها و باورهای فرهنگی است. (هانیسمن، ۱۹۵۹).



### از دیدگاه توسعه فرهنگ عبارتست از :

«مجموعه‌ای از باورها و تلقیها و پندارها و اعمالی که دارای دو ویژگی باشد: اولین ویژگی اینکه در سطح جامعه نسبتاً عمومی باشد یعنی اکثریت مردم آن را پذیرفته باشند و دوم اینکه برای اعتقاد به این باورها از روش استدلالی عمل نکنیم.» (عظیمی، ۱۳۷۰: ۱۲)

پس می‌بینیم «فرهنگ» پایه‌های رفتار انسانی است و لذا بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر باورهای فرهنگی استوار است. (ساولی، ۱۳۷۳: ۵۲)

گونار میردال (Gunnar Myrdal) تغییرات در سطح زندگی، نهادهای جامعه، وجهه نظرها و سیاست‌ها را مدنظر توسعه بیان کرده است. (جیروند ۱۳۶۸، ۸۴)

دیویدلهمن (David Lehmann) توسعه را چند بعدی دانسته ... دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم و در بسیاری موارد حتی دگرگونی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز محور توسعه قلمداد کرده است. (ازکیا، ۱۳۷۰: ۱۸)

و سرانجام مایکل تودارو (Miker Todaro) در تعریف توسعه چنین می‌گوید: توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و تسریع رشد اقتصادی - کاهش نابرابری و ریشه کردن فقر مطلق است. توسعه باید در اصل نشان دهد که مجموع نظام اجتماعی همراه با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروههای اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و بسوی



وضع و یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد.» (تودارو، مترجم فرهادی، ۱۳۶۷: ۱۳۶)

از تعاریف فوق نتیجه می‌گیریم که مهمترین عامل توسعه، نیروی انسانی است که می‌تواند با بکارگیری ابزار و سرمایه، توسعه همه جانبه (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی و هنری) را امکان‌پذیر سازد. از طرف دیگر نیروی انسانی فقط محدود به مردان نبوده و نقش زنان و مشارکت آنان در توسعه بر کسی پوشیده نیست. چرا که زنان نیمی از نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهند آن هم نیمه‌ای که از نظر کیفیت و ابعاد معنوی رشد و توسعه بسیار مهمتر از نیمه دیگر آن است. (امین‌جعفری، ۱۳۷۴: ۲۸)

اگر بخواهیم ارتباط ابعاد مختلف توسعه را بسنجیم خواهیم دید که توسعه فرهنگی - اجتماعی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد و می‌تواند سهم مهمی را در رسیدن به سایر ابعاد توسعه (اقتصادی، سیاسی) ایفا نماید. برای بیان توسعه فرهنگی، هنری لازم است مفاهیم تغییرات اجتماعی، فرهنگی تعریف گردند. تغییر اجتماعی یعنی تغییر در ساختار و روابط اجتماعی جامعه، و تغییر فرهنگی یعنی تغییر در فرهنگ جامعه (هانت و هورتن، ۱۹۷۲) تغییرات اجتماعی ممکن است موجب تغییراتی در ترکیب و توزیع جمعیت، سطح آموزش و پرورش، میزان زاد و ولد، یا تغییراتی در روابط خصوصی و غیررسمی بر اثر شهرنشینی، یا در روابط کار بر اثر دگرگونی‌های نهادهای اقتصادی و دگرگونی‌هایی در ساختار و روابط خانواده و قدرت آن شوند. تغییرات فرهنگی ممکن است شامل رویدادهایی نظیر، نوآوریها و اختراعات، دگرگونی در زبان و اضافه شدن واژگان جدید، دگرگونی مفهوم اخلاق و آداب رفتاری و پیدایش روندهای نو در هنر و ادبیات



باشند. با وجود این، مفاهیم تغییر اجتماعی و تغییر فرهنگی با هم همخوانی دارند زیرا با همدیگر همراه بوده و دگرگونیهای مهم در جامعه هر دو را شامل می‌شوند. تمایز میان این دو در عمل چندان اهمیت نداشته و در موارد مختلف آنها را مترادف بکار می‌برند. (علاقه‌بند، ۱۳۸۲ : ۱۳۴)

ارتباط فرهنگی و توسعه بسیار نزدیک می‌باشند زیرا امروزه توسعه روندی است جامع و فراگیر که تمامی وجوه زندگی انسانها را دربرمی‌گیرد. از اینرو توسعه واقعی توسعه ایست متوازن که همه بخشهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به صورت اجزای بهم پیوسته یک کل، بگونه‌ای همزمان متحول می‌شوند. توسعه در اصل پیش از آنکه صرفاً نیازمند سرمایه‌گذاریهایی سنگین تکنولوژی ساخته شده باشد باید زمینه‌های خلاقیت و نوآوری متناسب با کشور را فراهم آورد. (ساوولی، ۱۳۷۳ : ۱۲).

توسعه فرهنگی در حفظ هویت ایرانی - اسلامی نقش بسیار عمده‌ای را دارد، زیرا فرهنگ منشأ تمام دستاوردها و خلاقیتها و ابتکارات جوامع بشری است اما فرهنگی که وابسته نباشد و بتوانند عهده‌دار حفظ ارزشهای ایرانی - اسلامی بشود. در برنامه چهارم توسعه، جامعه آرمانی پیش‌بینی شده برای جمهوری اسلامی ایران جامعه‌ای مبتنی بر ارزشهای اصیل اسلامی با حفظ کرامت و مقام انسانی است. که اقتصاد وسیله است نه هدف. و رسیدن به رضای الهی تکامل واقعی است.

هویت ایرانی - اسلامی بخشی از فرهنگ کلی است که به گذشته ایرانیان تاریخ، قهرمانیها و رشادتها و دستاوردهای ایرانی اسلامی این مرز و بوم برمی‌گردد. حفظ هویت ایرانی - اسلامی هر جامعه بعد از همه افراد جامعه، نهادها و سازمانهای موجود در آن جامعه می‌باشد.



پیامبر اکرم (ص) در حدیث ثقلین به امت خویش فرمودند :

من پیش از رفتن از میان شما دو چیز گرانبها و سنگین در میان شما می‌گذارم کتاب خدا و اهل بیتم که هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در روز قیامت در کنار حوض به من برسند مادام که به این دو چنگال بزیند گمراه نخواهید شد. (امین‌جعفری، ۱۳۸۳ : ۱)

حدیث بالا اشاره به وظیفه ملی و اسلامی همه ایرانیان در حفظ هویت اسلامی دارد.

از طرف دیگر روایات احادیث و خطابه‌های بی‌شمار دیگری حراست و دفاع از کیان و مملکت دین و آئین را وظیفه الهی قلمداد نموده‌اند تاجائیکه جهاد و دفاع برای امت اسلامی امری واجب شمرده می‌شود.

از دیدگاه جامعه‌شناسی نهادی شدن ارزشهای اسلامی - ایرانی حفظ هویت ایرانی اسلامی بعهدۀ نهادهای عمده اجتماعی می‌باشد خانواده - مذهب - حکومت - اقتصاد - آموزش و پرورش هر کدام بعنوان نهادهای عمده جامعه عهده‌دار کارکردها و وظایف خاصی می‌باشند. اجتماعی‌شدن و فرهنگ‌پذیری و نهادینه‌کردن باورها و ارزشها وظایف عمومی همه نهادها به‌شمار می‌رود. به‌عنوان گام اساسی در جهت (کوئن، ۱۳۷۲ : ۱۵۱). که به عنوان گامی اساسی در جهت هویت ایران - اسلامی بخشی از فرهنگ کلی است که به گذشته ایرانیان، تاریخ، رشادتها، قهرمانیها و دست‌آورهای ایران اسلامی این مرز و بوم بر می‌گردد. نهاد، نظامی به نسبت پایدار و سازمان‌یافته از الگوهای اجتماعی است که در برخی رفتارهای نظارت‌شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه دربرمی‌گیرد. (همان : ۱۵۱).



نهادی شدن فرآیند توسعه نظام منظمی از هنجارها، پایگاهها و نقش‌های مشخص و به هم پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده است. از طریق نهادی شدن، رفتارهای خودانگیزه و پیش‌بینی ناپذیر جای خود را به رفتار نظام‌یافته و پیش‌بینی پذیر می‌دهد.

### کارکردهای عمده نهادها عبارتند از :

۱- ارائه الگوهای رفتار شایسته به افراد و اینکه از طریق اجتماعی شدن شیوه درست و نادرست رفتار را به افراد می‌آموزند.

۲- تعیین نقشهای مناسب به افراد و اینکه فرد در چه وضعیتی قرار دارد و باید چه نقشی ایفا نماید.

۳- نهادها با تکیه بر ثبات و استمرار فرهنگ به افراد جامعه می‌آموزند که بهترین شیوه رفتار، همان رفتار نهادی شده است و افراد به این شیوه‌ها خو می‌گیرند.

۴- نهادها در جهت تنظیم رفتارها و نظارت بر آنها عمل می‌نمایند. می‌بینیم که ارزشهای اسلامی - ایرانی به عنوان رفتار و نقش تحت تأثیر نهادها قرار گرفته و نهادینه می‌شوند. (همان : ۱۵۴).

حال جوامعی که ارزشهای اسلامی - ملی را هدف عمده دانسته و به آن بهای کافی بپردازد از طریق نهادهای عمده جامعه در فرآیند اجتماعی شدن و شکل‌گیری شخصیت افراد بخوبی می‌تواند آنها را نهادینه ساخته و در جامعه متبلور سازد.

در جمهوری اسلامی ایران که هدف جامعه آرمانی حفظ و کرامت انسانی و اسلامی است نهادینه شدن ارزشها، باورها، اعتقادات، ایدئولوژی و ... رکن اساسی توسعه همه‌جانبه می‌باشد.





چرا که اگر افراد به ارزشهای واقعی پی ببرند و با شناخت کافی آنها را انتخاب نمایند. معرفت در نگرش آنها باعث تغییر رفتار فردی و نهایتاً تغییر رفتار گروهی و انجام در کل جامعه تغییر رخ خواهد داد. تغییری که نتیجه‌اش حراست از فرهنگ ملی و حفظ و حراست ارزشهای دینی محسوب می‌شود.

فرهنگ پذیری و تبادل فرهنگی نیز در بستر صحیح خویش جاری و نفوذ فرهنگهای بیگانه و غربی تهاجم فرهنگی با شکست روبرو می‌گردد. در واقع هویت اجتماعی افراد منبعث از فرهنگ و باورهای اسلامی - ملی شکل گرفته و به آسانی جذب فرهنگهای بیگانه نشده بلکه سعی در ترویج فرهنگ صحیح خویش دارند. در اینصورت بستر توسعه جهانی کشور هویت ایرانی - اسلامی نبوده بلکه در جهت تحقق اهداف اسلامی - ایران گام بر می‌دارد.



بخش سوم :

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات :

اقتصاد ایران طی ۲۳ سال گذشته به رغم افت و خیرها و نوسانات تولید و تجارت نتوانسته است به یک جریان رشد پیوسته و پایدار دست یابد، در این سالها در قبال رشد متوسط جمعیت در حد (۲/۷٪) در سال، مانگین رشد تولید ناخالص داخلی برابر تقریباً (۱/۵٪) در سال بوده است. نتیجه این فرآیند کاهش درآمد سرانه، در سال و طبعاً کاهش رفاه عمومی و تنزل سطح زندگی مردم و از همه مهمتر پایین آمدن موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور در مقایسه با کشورهای هم‌تراز در حال توسعه و برخی از همسایگان ایران بوده است.

### در این راستا عوامل عمده‌ای نقش داشته‌اند مانند :

- ۱- چیرگی باورها - دیدگاه‌ها و تفکرات مغایر با پیشرفت و قانون‌مندیهای توسعه.
  - ۲- فقدان طرح راهبردی و خطوط راههای فراگیر و همه‌جانبه
  - ۳- عملکردهای اجرایی متناقض و متغیر و نبود مدیریت کارآمد و ...
- در میان این مباحث عامل نگرشها و دیدگاههای حاکم بر فرآیند توسعه در اتخاذ سیاستها، عملکردها، روندها و گرایشهایی که در اقتصاد ایران شکل گرفته است نقش غالب و تعیین کننده‌ای داشته است.

نگرشها و باورها یک بحث فرهنگی است و تغییر نگرش و توسعه آن متناسب با افق توسعه‌ی جانبه مستلزم کار و فعالیت فرهنگی است. اگر توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی را



بعنوان یک درخت در نظر بگیریم توسعه فرهنگی ریشه‌های آن درخت محسوب خواهد شد، زیرا مهمترین عامل توسعه نیروی انسانی است. و داشتن نیروی انسانی کارآمد و متخصص موجب توسعه در ابعاد اقتصادی و سیاسی می‌گردد.

از طرف دیگر با توجه به چشم‌اندازها و راهبردهای اساسی ارائه شده در برنامه چهارم توسعه کشور، حفظ و صیانت هویت ایرانی - اسلامی بعنوان یکی از محورهای مهم قلمداد گردیده است و توسعه فرهنگی از طریق بسط و تغییر نگرشهای دینی - اسلامی - ایرانی راهکار اساسی رسیدن به توسعه همه جانبه می‌باشد.

اجتماعی شدن و نهادینه شدن متناسب با ارزشهای اسلامی - ایرانی وظیفه همه نهادها و سازمانهای اجتماعی موجود در جامعه می باشد. شکل‌گیری باورهای دینی - مذهبی و همچنین متناسب با ویژگیهای فرهنگی - سنتی جامعه ایران هرچند که مستلزم صرف وقت و تلاش بسیار زیادی می‌باشد اما بسیار ارزشمند و اثر بخش خواهد بود. چرا که اگر بخواهیم کشوری آباد و آزاد و پیشرفته داشته باشیم مستلزم داشتن مغزهایی آزاد و بدور از هرگونه وابستگی خواهیم بود.

### پیشهادات :

- ۱- ارتقاء سطح آگاهی مردم در ارتباط با توسعه و عوامل مربوط به آن.
- ۲- شناسایی ابعاد مختلف توسعه همه جانبه.
- ۳- سعی و تلاشی در خصوص اجتماعی‌ساختن صحیح افراد براساس نگرشها و ارزشهای صحیح.
- ۴- حمایت و توانمند ساختن نهادهای مرتبط با کارکردهای اجتماعی - فرهنگی افراد جامعه.



- ۵- نظارت همه جانبه و صحیح شیوه‌های رفتاری و اعتقادی افراد جامعه.
- ۶- ارشاد و راهنمایی و هدایت گروه‌های آسیب دیده اجتماع در جهت ارتقاء آنها.
- ۷- تحکم و تقویت بنیان خانواده بعنوان رکن اساسی اجتماعی ساختن افراد.
- ۸- تحکم و تقویت توان‌مندی زنان بعنوان عنصر اساسی خانواده و جامعه.
- ۹- ارتقاء سطح آگاهی در خصوص باورها و ارزشهای صحیح دینی - ملی.
- ۱۰- کنار زدن خرافات و تعصبات بی‌مورد تحت لوای دین و مذهب.
- ۱۱- علمی نمودن باورها و ارزشهای فرهنگی و دینی.



## فهرست منابع :

- ۱- ازکیا، مصطفی، (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران، تهران - مؤسسه اطلاعات.
- ۲- امین جعفری، بتول (۱۳۷۴)، نقش زنان در توسعه اقتصادی شهر اصفهان - پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان.
- ۳- امین جعفری، بتول (۱۳۸۳)، کارگزاران از دیدگاه نهج البلاغه، سومین جشنواره نهج البلاغه، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها.
- ۴- تودارو، مایکل، (۱۳۶۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، فرجادی، غلامعلی، چاپ سوم، سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور.
- ۵- جبروند، عبدالله، (۱۳۶۸)، توسعه اقتصادی، مجموعه عقاید، تهران، انتشارات مولوی.
- ۶- ساولی، یداله، (۱۳۷۳)، ریشه‌های فرهنگی توسعه، فرهنگ توسعه، شماره ۱۲،
- ۷- سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور، (۱۳۸۳)، برنامه چهارم توسعه، (به همراه نسخه الکترونیکی) تهران.
- ۸- عظیمی، حسین، (۱۳۷۰)، توسعه و فرهنگ، نامه فرهنگی، شماره ۱ و ۲،
- ۹- کوئن، بروس (۱۳۷۶)، مبانی جامعه‌شناسی، توسلی، غلامحسین، فاضل، رضا، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۰- نلر، جورج، (۱۳۷۹)، انسان‌شناسی تربیتی، آهنچیان و قائدی، تهران، انتشارات آئین.
- ۱۱- هرس پال، بلانچاردکنت (۱۳۶۵)، مدیریت رفتار سازمانی، علاقه‌بند، علی، تهران، امیرکبیر.

12- Hnisman jhon (1959) content of culture , university of boston press.